

امانت‌داری از ارکان انسانیت است



عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، از نگاه قرآن، امانت‌داری را از ارکان انسانیت و شرط انسان بودن خواند و گفت: تا فرهنگ عمومی رشد نکند و فضایل اخلاقی از جمله امانت‌داری عمومی و نهادینه نشود عملاً نمی‌توان انتظار داشت که همه مسئولین و صاحب منصبان امین باشند.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، از نگاه قرآن، امانت‌داری را از ارکان انسانیت و شرط انسان بودن خواند و گفت: تا فرهنگ عمومی رشد نکند و فضایل اخلاقی از جمله امانت‌داری عمومی و نهادینه نشود عملاً نمی‌توان انتظار داشت که همه مسئولین و صاحب منصبان امین باشند.

دکتر محمد فنائی اشکوری در مورد ابعاد مختلف امانت‌داری به خبرنگار مهر گفت: هر چیز ارزشمندی که به انسان سپرده باشند و از او انتظار مراقبت و حفاظت از آن را داشته باشند، انسان مسئول است به بهترین شکل از آن حفاظت نماید. آن ودیعه ارزشمند ممکن است مادی یا معنوی باشد، مانند نفس یعنی شخص انسانی، مال، یا جایگاه و منصب. امانت ممکن است یک راز باشد، که قرار نیست افشا شود و افشای آن خیانت است. تصرف نابجا و غیرمجاز امانت یا عدم محافظت از امانت خیانت محسوب می‌شود.

وی در مورد اینکه اهمیت امانت‌داری از نگاه اسلامی چگونه است؟ هم اظهار داشت: شاید بتوان گفت از نگاه قرآنی امانت‌داری از ارکان انسانیت و شرط انسان بودن است. انسان حامل ودیعه الهی است. در قرآن آمده است که ما امانت را به آسمان و زمین عرضه کردیم، اما آنها از پذیرش آن سرباز زدند، ولی انسان پذیرفت و بار امانت را بر دوش کشید: «اتأخذنا الامانة على السموات والارض والجبال فابین ان یحملنها و اشفقن منها و حملها الانسان انة کان ظلوماً جهولاً» (الأحزاب/72). آسمان بار امانت نتوانست کشید * قرعه فال بنام من دیوانه زند.

این استاد فلسفه اسلامی ادامه داد: از این رو، امانت‌داری یک ارزش انسانی و جهانی است و اختصاصی به پیروان دین خاصی ندارد. از هر انسانی با هر مذهب و مسلکی انتظار می‌رود امین باشد. امانت‌داری شرط نبوت و خصلت پیامبران است. پیامبر اسلام(ص) قبل از مبعوث شدن به نبوت، مشهور به امانت‌داری بود و او را محمد امین می‌خواندند. همه انبیا امین بودند. قرآن از قول حضرت نوح می‌گوید: «انی لکم رسول امین» (الشعراء/ 107) در حدیث آمده است که «انّ الله لم یبعث نبیاً الا بصدق الحدیث و اداء الامانة.» از نگاه قرآنی امانت‌داری از مقومات ایمان و شرط رستگاری است؛ یعنی کسی که امین نیست مؤمن نیست و از ثمره ایمان که رستگاری است برخوردار نخواهد بود. «قد افلح المؤمنون.... و الذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون.» (المؤمنون/1-3) در آیات گوناگون قرآنی بر رعایت این ارزش عام انسانی تأکید شده است. «انّ الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل» (النساء/58)؛ و از خیانت در امانت نهی اکید شده است. «یا ایها الذین آمنوا لاتخونوا الله و الرسول و تخونوا اماناتکم و انتم تعلمون.» (الأنفال/27)

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) تصریح کرد: یکی از امانت‌های مهمی که بر حفظ آن در منابع اسلامی تأکید بسیار شده، و از خیانت در آن نهی شده اسرار مردم است. مطالبی که در مجالس گفته می‌شود امانت است و افشای آنها گناه است. رسول خدا (ص) فرمود: «المجالس بالامانة وافشاء سرّ اخیک خیانة فاجتنب.»

فنائی در تشریح تفاوت امانت‌داری یک فرد عادی با یک مسئول و مقام دولتی و حاکمیتی گفت: شکی نیست که هر قدر جایگاه فرد بالاتر باشد امانت‌داری او مهم‌تر است و خیانت او تأثیر منفی بیشتری دارد. قلمرو تأثیر رفتار نادرست یک فرد ضعیف و عادی محدود است، اما قلمرو خیانت یک صاحب منصب وسیع‌تر و تأثیر منفی آن به مراتب بیشتر است. اما نکته مهمی که باید توجه داشت این است که امانت‌داری برای همه افراد ضروری است و خیانت در امانت در هر شرایطی و توسط هرکسی خیانت و ردیلت اخلاقی است، چه شخص باسواد و عالم باشد و چه بی سواد و عامی؛ چه صاحب مقام بالای دولتی باشد، چه یک فرد معمولی. گناه برای همه بد است و کسی مستثنی نیست و کسی حق ندارد خیانت خود را توجیه و کم‌اهمیت تلقی کند و خیانت دیگران را برجسته سازد. شیطان استاد فریبکاری است و کار شیطان تزیین اعمال است.

وی افزود: انسان همیشه مایل است با برجسته کردن گناه دیگران گناه خودش را کوچک و قابل توجیه جلوه دهد و گناه دیگران را بزرگ و غیر قابل بخشش. همه مردم مخاطب امر و نهی خدا هستند و در خطاب الهی فرقی بین مردم نیست. دروغ توسط همه کس بد است. مشکل این نوع برخورد این است که شخص از دروغ و خیانت و گناه خود ناراحت نیست، بلکه همیشه گناه دیگران را بد می‌داند. وقتی چنین تفکری رواج یافت گناه رواج می‌یابد و هیچکس برای اصلاح خود کاری نمی‌کند. افراد به جای اصلاح خود فقط به ملامت دیگران می‌پردازند. صاحب مقام و منصب با آن مقام از مادر به دنیا نیامده است. او هم فردی عادی در میان افراد است که از قضای روزگار دری به تخته ای می‌خورد و منصبی پیدا می‌کند. او اگر قبل از تصدی مسئولیت تربیت نشده باشد و امین نباشد محال است که پس از تصدی مسئولیت امین شود. اگر در گذشته اهل دروغ و خیانت و سوء استفاده باشد پس از تصدی مقام و مسئولیت این خصیصه ردیله شدت پیدا می‌کند. اگر قبلاً ریال ریال می‌دزدید حالا میلیارد میلیارد می‌دزدد، چون دسترسی دارد. اگر بخواهیم صاحبان منصب و قدرت امین و خادم باشند باید عموم مردم اهل امانت و خدمت باشند. صاحبان منصب از کرات دیگر نمی‌آیند، از میان همین مردم می‌آیند.

این محقق و پژوهشگر فلسفه ادامه داد: اگر در گذشته مردم بر دین ملوک بودند، امروزه که اغلب حکومت‌ها توسط مردم انتخاب می‌شوند باید گفت که ملوک بر دین مردم هستند. نمی‌شود جامعه‌ای آلوده و تربیت نشده حکومتی صالح و سالم داشته باشد و یا بالعکس؛ جامعه‌ای مذهب و تربیت شده حکومتی ناصالح داشته باشد. تقریباً حکومت و مردم در جاهایی که حکومت‌ها با رأی مردم قدرت را بدست می‌گیرند سر و ته یک کرباسند. سخن در انبیا و اولیای الهی و یا افراد خاص و

استثنایی نیست. در این گونه موارد ممکن است حاکم معصوم باشد، اما فرهنگ غالب فرهنگ منحطی باشد.

فنائی تصریح کرد: البته در چنین وضعیتی که بین مردم و حکومت سختی نیست حکومت صالح هم نمی تواند دوام چندانی بیاورد، چنانکه حکومت امیر المومنین(ع) 5 سال بیشتر دوام نیافت و سپس کسانی حاکم شدند که آن مردم لایق آنها بودند. سخن در موارد نادر و استثنایی نیست، بلکه بحث مربوط به شرایط عادی و وضعیت متعارف است. اگر می خواهیم مدیران و سیاستمداران شایسته و امینی داشته باشیم راهی جز تربیت عمومی و رواج شایستگی و امانت داری در عموم مردم نیست. تا خانه و مدرسه و حوزه و دانشگاه و بازار و اداره اصلاح نشود مدیر شایسته هم نخواهیم داشت. مدیر شایسته از آسمان نمی آید؛ از همین مدرسه و دانشگاه و حوزه بیرون می آید. در اینجا سخن از یک جبر اجتماعی گریز ناپذیر نیست، بلکه سخن در تأثیر تعلیم و تربیت است. اکثریت افراد متأثر از فرهنگ رایج هستند و اندک اند کسانی که از جهت اخلاقی و معنوی فراتر از فرهنگ غالب هستند. به علاوه، همیشه چنین نیست که شایسته ترین ها صاحب منصبها و مسئولیتهای بزرگ شوند. بنابراین تا فرهنگ عمومی رشد نکند و فضایل اخلاقی از جمله امانتداری عمومی و نهادینه نشود عملاً نمی توان انتظار داشت که همه مسئولین و صاحب منصبان امین باشند. در چنین وضعیتی باید نظارت شدیدتر باشد و قانون باقاطعیت و بدون تبعیض اجرا گردد تا میزان سوء استفاده به حداقل برسد.

این استاد فلسفه در مورد اینکه چرا با وجود اینکه فرهنگ ما یک فرهنگ دینی است اما امانتداری به عنوان یک خصلت اخلاقی و رفتاری بین افراد به درستی جا نیفتاده است؟ بیان کرد: آیا براستی فرهنگ، منش و سبک زندگی همه ما دینی است؟ اگر دینی است به چه معنا و در چه سطحی دینی است؟ چه اندازه دین را شناخته ایم و چه اندازه شخصیت فردی و فرهنگ اجتماعی ما متأثر از دین است؟ این نکته ای قابل تأمل است. از حداقلی از اعتقاد دینی با درکی سطحی از آن نمی توان انتظار داشت که ارزش ها و آرمانهای دینی در جامعه جامه تحقق بیوشد. آنچه در جامعه ما برجسته است شعار دینی است، نه معرفت و تعلیم و تربیت دینی. مثلاً ما در مراسم عزاداری سنگ تمام می گذاریم، اما آیا وقتی نوبت به رعایت حقوق مردم می رسد نیز همین گونه ایم؟ نگاهی به وضع رانندگی و بازار و ادارات و ورزش و سینمای ما نشان می دهد که رفتار اجتماعی ما چندان دینی نیست و در بسیاری از موارد از جوامع غیردینی هم وضعیت ما بدتر است. به زیارت امام رضا (ع) شدیداً مقید و علاقمندیم اما آیا می توانیم ادعا کنیم که نسبت به پیروی از سیره اخلاقی و عملی آن بزرگوار نیز به همان اندازه اهتمام داریم؟ این عدم توازن ناشی از تعلیم و تربیت دینی نامتوازن است که دین را در شعار دینی خلاصه می کند یا بر این بعد دین تأکید می کند و از ابعاد معرفتی، معنوی و اخلاقی دین بویژه در حوزه حق الناس غافل می شود.

وی در مورد اینکه متخلق شدن افراد جامعه به خصلت امانتداری چه نتایجی دارد و چه آسیبهایی از جامعه می زداید؟ هم گفت: با گسترش فرهنگ امانت داری حقوق مردم حفظ می شود، سطح اعتماد عمومی بالا می رود و آرامش روانی جامعه تأمین می شود. عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در مورد اینکه آیا می توان اختلاس ها و رشوه گرفتن ها و فساد مالی را ناشی از خیانت در امانت دانست؟ هم یادآورش: میز و منصبی که در اختیار کسی قرار می گیرد امانتی است که او بر عهده می گیرد و باید از آن محافظت کند. از این رو مسئولیت های خطیر را نباید در اختیار افراد غیر مهذب قرار داد. اما وقتی ریاکاری رواج پیدا کند تشخیص خائن و امین دشوار می شود. شخص ریاکار ممکن است تظاهر به دینداری کند و چهره ای دیندارانه از خود به نمایش بگذارد، اما سر از اختلاس و وطن فروشی در آورد. از این رو هم تعلیم و تربیت عمومی اهمیت دارد و هم هوشیاری در انتخاب و انتصاب مسئولین خطیر و ضروری است. امانت را باید به اهلش سپرد. در حدیث آمده است که: «لاتغتروا بصلاتهم و لایصیامهم، فان الرجل ربما لهج بالصلاة و الصوم حتی لوثرکه استوحش ولكن اختبروهم عند صدق الحديث و اداء الامانة»؛ فریب نماز و روزه افراد را نخورید؛ چه بسا کسی که نماز و روزه اش را بجا می آورد بطوری که از ترک آن وحشت دارد؛ بلکه افراد را با صدق در گفتار و امانت داری بیازمایید. امروز که بسیاری از مقامات مسئول بلکه همه آنها مستقیم یا غیرمستقیم توسط مردم انتخاب می شوند مسئولیت عمومی سنگین است و در انتخاب باید بسیار هوشمندانه و مسئولانه عمل کنیم، فریب تبلیغات دروغین را نخوریم و ملاک را شایستگی قرار دهیم، نه شعار های جذاب و گرایش های حزبی و قبیله ای.